

نگاهی به مثنوی نگاری سلیم تهرانی

دکتر ناعمه خورشید ☆

Abstract

The significance of Persian Masnaveys written in sub-continent is in no way less than those written in Iran. However, very little has been explored about evolution of Persian Masnaveys in the sub-continent. That is the reason why people interested in Persian language and literature remained ignorant about this important development. In this article an effort has been made to collect and compile all the available information about the life and Masnavey writing of Saleem Tehrani ... a prominent poet of Subk-e-Hindi.

میرزا محمد قلی سلیم طرشی تهرانی یکی از شعرای معروف ایران در قرن یازدهم هجری است که در شبه قاره آمده و زندگانی خوردش در اینجا به سر برد. (۱) درباره جای تولدش بین تذکره نویسان اختلافی وجود دارد بعضی گویند که در تهران و بعضی دیگر نوشته اند که در طرشت (۲) به دنیا آمد. (۳) تعلق او با طرشت از این بیت او هویدا است:

نآزد به اشک و آه دلم، کوی او سلیم
چون ملک ری به آب و هوای طرشت ما (۴)

☆ استاد و رئیس گروه زبان و ادب فارسی در دانشکده کنینر لاهور

سلیم از زادگاهش به لاهیجان رفته و شروع به شعر گفتن کرد. (۵) وی همراه با ملا واصبای قندهاری و ملا حسینای صبوحی نزد میرزا عبدالطه وزیر لاهیجان زندگی می کرد، در همانجا با زنی ازدواج کرد و پسری از او متولد شد، در همان زمان مثنوی در وصف لاهیجان به نظم آورد. (۶) مدتی یوسف سلطان حاکم کسگر گیلان را ستود، پس از فرو افتادن کار او به اصفهان رفت و در پابان فرمانروایی شاه عباس اول و آغاز عهد شاه صفی در اصفهان می زیست و این هر دو را ستود لیکن از دربار صفوی توجه ای را که انتظار داشت نیافت و ناگزیر از صفهان به شیراز رفت و به یاری میرزا ابوالحسن فراهانی به حضور امام قلی خان والی فارس راه یافت. (۷) اما از وی فایده ای زیاده به دستش نرسید برای اینکه بنا به گفته محمد طاهر نصر آبادی: "یک بار که در خدمت امام قلی خان بود، خان فرمان داد تا برای سلیم قلیان آوردند، آن قلیان چینی جثه بی بزرگ داشت و سلیم را چون دیده بر آن افتاد گفت "درخانه به کد خدای مانند همه چیز" و چون امام قلی قوی جثه بود از این لطیفه رنجید. با این حال هنگامی سلیم عزم سفر هند کرد. (۸) و از راه دریا در سال ۱۰۲۱ هجری به گجرات رسید، درباره این سفر دریایی سلیم گوید: (۹)

ای دل سفر بلچہ عمان مبارکست
 دریا به ما چو چشمه حیوان مبارکست
 بردوش باد سیر جهان کرده می رویم
 کشتی به ما چو تخت سلیمان مبارکست (۱۰)

چون شاهجهان احوال سلیم را از کلیم کاشانی پرسید وی به سبب آن که مثنوی در وصف لاهیجان را تغییر داده در وصف کشمیر کرده بود، گفت که سلیم شاعری کم مایه است. سلیم که این سخن را شنید دیگر به دربار نرفت و ملازم میر عبدالسلام مشهدی مخاطب به اسلام خان ناظم بنگاله شد و پس از سفرهایی که همراه با اسلام خان به آگره و لاهور رفت در روزهای پایانی عمر در کشمیر گوشه گیر شد. (۱۱) چنین که خورش می گوید:

گوشه یی گیر بکشمیر سلیم و بنشین
رفتن و آمدن آگره و لاهور پس است

و سرانجام در سال ۱۰۵۷ هـ در کشمیر درگذشت و پیکر را در مزار الشعراي کشمیر به خاک سپردند و بعد از او قدسی مشهدی و کلیم کاشانی و ظعراي مشهدی را هم نزدیک او مدفون کردند.

سلیم را به نازکی خیال، خلق مضمون های دقیق، ارسال مثل و تمثیل ستوده اند. شعرهایش زبان ساده و نزدیک به عامیانه دارد. (۱۲) در تذکره خیرالبیان آمده است که "طبع صافی و ذهن مستقیم دارد و از آغا سخن او ترقیبی که در انجام خواهد یافت ظاهر و هویدا است. (۱۳) بنا به گفته محمد صالح کنبو. "هیچ بیتی از اشعار او حالی از ادایی نیست، درانگیخت تشبیهات ید طولی دارد و در پرداخت ایهامات دست تمام حاصل کرده و هزاران معانی عجیه و غریبه از طبع او پریدار گشته، اگرچه کم گو است اما پاکیزه گفتار است و بسیار رنگین سخن. (۱۴) گویند کانی چون طالب آملی،

حکیم‌رکنما، سلیم عطار یزدی، محمد علی تسلیم از اشعار وی استقبال کرده اند. (۱۵) دیوان سلیم تهرانی که نزدیک ۹۰۰۰ بیت دارد و مشتمل بر قصیده و غزل و قطعه و رباعی است و یکوشش آقای پرت‌بیضانی در سال ۱۳۲۱ ش در تهران به چاپ رسیده است سلیم تهرانی (۱۶) علاوه بر دیوان ۹ تا مثنوی دارد که عبادتند از:

۱. وصف کشمیر

این مثنوی به جای خود دارای اهمیت خاصی می باشد و این برای آنست که سلیم تهرانی آن را در ابتدا به وصف لاهیجان نظم کرده بود و بعد که به کشمیر آمد آن را تغییر داده و در وصف کشمیر جا می زند همین باعث می شود که شاهجهان به او التقاتی ننماید این مثنوی که مشتمل بر ۱۸۰۰ بیت است به وزن مناعیلن مناعیلن معولن سروده شده است. (۱۴) و نسخه خطی آن به شماره ۲۰۴۴ در کتابخانه گنج بخش اسلامآباد نگه داری شده است و مثنوی وصف لاهیجان که نسخه ای از آن تحت شماره ۲۸۲۲/۲۲ در کتابخانه ملک موجود است. (۱۸)

این مثنوی چنین آغاز می شود:

سخن هر جا ز صنع کردگار است	گواه پای بر جا کوهسار است
خصوصاً کوه گردون قدر کشمیر	که تیغش می زند بر ابر کشمیر
نگویم کوه ابدالی تمنومند	هزاران کوچک ابدالش چو الوند
سپهر سرفرازش کرد تقدیر	در و تاپان نجوم از چشم نخچیر
زمین طفلی به دامان دایه دارش	فلک نیلوفری از چشمه سارش

سپس به وصف راه کشمیر، وصف نهر و درخت و باغ می پردازد. (۱۹)

۲. قضا و قدر

این مثنوی فلسفیانه است که به پیروی مخزن الاسرار نظامی سروده شد و در سال ۱۳۲۱ ش به کوشش پرتو بیضایی در تهران به چاپ رسیده است این مثنوی مشتمل بر ۲۳۰ بیت است که نسخه خطی آن تحت شماره ۲۰۲۲ در کتابخانه گنج بخش اسلام آباد نگهداری شده است. (۲۰) یک نسخه خطی دیگر از آن به شماره ۲۲۲۷ در کتابخانه ملک موجود است که مشتمل بر ۲۰۰ بیت است سلیم تهرانی این مثنوی را به بحر هزج مسدس مقصود سروده است و از بیت های زیر آغار می شود.

شنیدم روزی از خونا به نوشی	چو گل از پاره تن فرقه پوشی
در معنی به گوش خود کشیده	شده همچو عصای خود جریده
چو دریا کاسه چوبین بر میانش	ولی موج گهر یا آستانش
نه فکر زندگی او رانه برگگی	چو سرو آزاده بامشاخ و برگگی

ابیات پایانی:

به آب دید گانش غسل دادند	روان بردند و برخاکش نهادند
غرض تا من به سرو قتش رسیدم	دوبار او را در آب خاک دیدم
سلیم از غافلی می بینمت مست	نپنداری قضا می در کمین است
جهان ویرانه ای بس خوفناک است	چه افتها که در این آب و خاک است
چرایی این چنین عافل نشسته	برآ از زیر دیوار شکسته
درین دریای خونخوار آشنا کیست	خدا دست تو گیرد نا خدا کیست (۲۱)

۳. ساده دل (حمار نامه)

این مثنوی در برابر هفت پیکر نظامی گنجوی است. نسخه خطی آن تحت شماره ۹۷۵۲ در کتابخانه گنج بخش اسلام آباد. نگهداری شده است. (۲۲) حسام الدین راشدی سه بیت ذیل از آن نقل کرده است:

از فرس عمر سبکتاز تر از خر طنبور خوش آواز تر
بانگ زراکب شنیده است سخت چوب ندیده است مگر بر درخت
کار نه با نیک و بدمردمش به بود از ایش منافق دلش (۲۳)
نسخه خطی دیگر از این مثنوی که مشتمل بر ۲۳ بیت موجود است به شماره ۱۲۲۷ در کتابخانه ملک موجود است و با این ابیات آغاز می شود.

ساده دلی را ز بی راه دور گشت خری همچو مسیحا ضرور
جانب بازار چو شد جلوه گر دید فضایی چو جهان پر ز خر
آمده دلال به وصف خزان معرکه آرا چو سخن پر و ران
بانگ پر آورده که صاحب خرد کو که زمن این خر مصری خرد
خر نه یکی آهوی صحرا نورد با تک او تنندی صر صر بکرد
از فرس عمر سبکتاز تر از خر طنبور خوش آواز تر
توشه کن راحله رهروان با خر عیس ز شرف همعنان
فروشنده خر متوجه آن فرد ساده دل شده بدنبال او راه می افتد
و بالاخر خر را به او می فروشد خری که نه تنها هیچ یک از محسنات
ادعایی فروشنده را نداشت بلکه مریض و لنگ و ناتوان بود.

ابیات پایانی است:

آه که در حلقه امید و بیم ساده تری از تو نبود ای سلیم
گرچه کنم دعوی آزادگی سوخت مرا حسرت این سادگی
هر که دل از حيله بر اندیش کرد بآکس دیگر نه که با خویش کرد
هست درین وادی پر گیرو دار برخر خود هر کسی آخر سوار (۲۲)

۴. خاتمه

درباره وی دکتر محمد علی خزانہ دارلو می نویسد که خاتمه مثنوی دیگر سلیم است که تحت شماره ۱۰۲ ۵ در کتابخانه ملک موجود است و دار ای ۸۸ بیت می باشد آغاز است:

طوطی کلکم که سیمرغ چمن تازگی آموخت از طرز سخن
گفت که روزی پی سامان کار قافله ای جمع شد از هر دیار
خواستہ چون مهر ز مشرق تمام عزم سفر کرده ز سرحد شام
قافله مردم او با صواب گشته جهان را همه چون آفتاب
نقد خرد مایه بازار شان جنس هنر بود همه کارشان
از رخشان نور سعادت عیان بر سر شان بال هما سایبان
داستان کاروانی را بیان می کند به خیمه بی می رسند و در
حالی که شترشان گم شده بود. پایان چنین است:

مردم آن قافله را این سخن شود بر آورد ز جان و زتن
هر کس از بهر مرادی چو باد رو بسوی تربیت حاتم نهاد
صاحب عماره هم انداز کرد بوسه کنان معذرت آغاز کرد
بی ادبی کرده ام از حد بدر تو ز ادب کردن من در گذر (۲۵)

۵. وصف بهار

وصف بهار مثنوی کوتاهی است که نسخه ای از آن تحت شماره ۸۹۲ در کتابخانه گنج بخش اسلام آباد، نگه داری شده است. (۲۱) این دو بیت آغازین در فهرست مشترک خطی فارسی موجود می باشد:

بیا بلبل که ایام بهار است گلستان خوشتر از آغوش یار است
صف آرا شد چمن از سرو شمشا علمدار سپاهش سرو آزاد (۲۴)

۶: مثنوی سلیم. I

از این مثنوی اطلاع زیادی در دست نداریم مولوی احمد علی در هفت آسمان ذکرش کرده است:

بسم الله الرحمن الرحيم هست عصای ره طبع سلیم
راوی افسانیه اهل کرم طوطی پر ریخته یعنی قلم (۲۸)

۷: مثنوی سلیم. II

این مثنوی دیگر است که دارای مضامین عرفانی می باشد و در آن شواهدی از مثنوی مولانا جلال الدین رومی دیده می شود. این مثنوی مشتمل بر ۲۰۰۰ بیت است. (۲۹) ذکر این مثنوی در فهرست نسخه های خطی فارسی آمده است آغاز نسخه افتادگی دارد این در بیت از آن درج است:

چون ز قهر حق نترسی ای سلیم

گشته ای تو هیزم نار حجیم

حرف حکمت بر زبان آن لثیم

حله های عاریت دان ای سلیم (۲۰)

۸. در تعریف و مزمت اسب

این مثنوی کوتاهی است که دارای فقط ۷۹ بیت می باشد. محمد علی قلی سلیم تهرانی این مثنوی را به وزن هزج مسدس سروده است و نسخه خطی آن تحت شماره ۵۲۰۳ در کتابخانه ملک موجود است این مثنوی با این ابیات آغاز می شود:

بود در زیر زمین بادیاپی نه اسبی بلکه شوخ دلربایی
اسیر کا کلس خوبان دلجو گرفتار خم فتراکش آهو
به رنگ نیلگون خود را نموده است که خویان عرب را تن کپود است
توصیف زیبایی از اسب خود می کند و بعد که به واقعه ای سم
او می شکنند و بیمار می شود در مذمت اش ابیاتی می نویسد به
انتہائی که آن اسب زنده مانند مرده ای است و می گوید:

مبادا از آنگ خلد بیرون بود محشور یا شبرنگ و گلگون
شفاعتخواه بادا پیش دارد براق و دلدل او را روز دارد (۲۱)

۹. قضا و قدر دیگر

این مثنوی دار ای ۲۰۰ بیت است سلیم تهرانی این مثنوی را به بحر هزج مسدس سروده است. نسخه خطی آن تحت شماره ۵۲۰۳/۲۷ در کتابخانه ملک نگهداری شده است. درباره این مثنوی دکتر محمد علی خزانه دارلو می نویسد: "این منظومه عنوان ندارد

لیکن محتوای آن به قضا و قدر می ماند به همین دلیل آن را "قضا و قدر دیگر" نامیدم این نمونه چنین آغاز می شود:

نبینم خوش زمین و آسمان را بخیر آرد خدا کار جهان را
جهان آن روز راحت را تلف کرد که اسم دوستی را بر طرف کرد
نه تنها دوست با دشمن نسازد که تن با جان و جان با تن نسازد
به هر تن استخوانها می بلا سنج به چنگ افتاده چون اجزای شطرنج
در انتها شاعر نام خود را همراه با داستانی ذکر کرده منظومه را به پایان می برد:

سلیم این گفتگو عارفان نیست گریزی از تقاضای زمان نیست
یکی گفتا قلندر مشربی را که بی قوتی مرا افکند از پا
ضعفم در تن خشکیده نم نیست قلند در جوابش گفت غم نیست
جهان شد جمله افیونی ز تنگی تو هم باریک شو چون فکر بنگی
زیان بر اهل معنی سود باشد الهی عاقبت محمود باشد (۳۲)



حواشی

- (۱) احمد گلچین معانی، کاروان هند، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹ ش، جلد: ۱، ص ۵۲۲
- (۲) طرشت دهی است در شمال غربی تهران که اکنون بدان متصل شده (تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۲، ص: ۱۱۵۸)
- (۳) در تذکره خیراللبیان مولد او تهران و در صبح صادق در طرشت درج است

(قتل از کاروان هند، جلد: ۱، ص: ۵۲۲، ۵۲۹)

(۴) کاروان هند، جلد: ۱، ص: ۵۲۹

(۵) حسن انوشه، دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، جلد: ۴، بخش: ۲، ص: ۱۴۲۳

(۶) منصور آباد، محمد طماپور، تذکرة نصر آبادی، بکوشش و حید دستگودی،

تهران، فروغی، چاپ سوم، ۱۳۶۱ ش، ص: ۲۲۴

(۷) ادب فارسی در شبه قاره، جلد: ۴، بخش: ۲، ص: ۱۴۲۳

(۸) تذکرة نصر آبادی، ص: ۲۲۴

(۹) ادب فارسی، در شبه قاره، جلد: ۴، بخش: ۲، ص: ۱۴۲۳

(۱۰) صنفا، دکتر ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، انتشارات فردوسی،

چاپ هفتم، ۱۳۴۳ ش، جلد: ۵، ص: ۱۱۲۰

(۱۱) ادب فارسی در شبه قاره، جلد: ۴، بخش: ۲، ص: ۱۴۲۳

(۱۲) تاریخ ادبیات در ایران، جلد: ۵، ص: ۱۱۲۱

(۱۳) ملک شاه حسین سبستانی، تذکرة خبوالبیان، ص: ۱۰۱۴ (قتل از کاروان

هند، جلد: ۱، ص: ۵۲۲)

(۱۴) صالح، محمد کنیره، عمل صالح، لاهور، ۱۹۲۰ میلادی، جلد: ۳، ص: ۴۲۲

(۱۵) دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، جلد: ۴، بخش: ۲، ص: ۱۴۲۳

(۱۶) تاریخ ادبیات در ایران، جلد: ۵، ص: ۱۱۲۱

(۱۷) دارلور، دکتر محمد علی خزانة، منظومه های فارسی، انتشارات روزنه،

تهران، چاپ اول، ۱۳۴۵ ش، ص: ۳۰۹

(۱۸) دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، جلد: ۴، بخش: ۲، ص: ۱۴۲۳

(۱۹) منظومه های فارسی، ص: ۳۰۹

(۲۰) دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، جلد: ۴، بخش: ۲، ص: ۱۴۲۳

(۲۱) منظومه های فارسی، ص: ۳۰۹، ۳۱۰

(۲۲) دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، جلد: ۴، بخش: ۲، ص: ۱۴۲۳

(۲۳) راشدی، حسام‌الدین، تذکره شعرائی کشمیر، کراچی، ۱۳۲۲ ش، جلد: ۱،

ص ۳۱۰

(۲۴) منظومه های فارسی، ص ۳۱۰

(۲۵) ایضاً، ص ۳۱۱

(۲۶) دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، جلد: ۴، بخش ۲، ص ۱۴۲۳

(۲۷) احمد منزوی، فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان، مرکز

تحقیقات فارسی ایوان و پاکستان، اسلام آباد، جلد: ۷، ص ۸۶۵

(۲۸) احمد علی، مولوی، هفت آسمان، کلکتہ، ۱۸۷۳ میلادی، ص ۱۴۴

(۲۹) منظومه های فارسی، ص: ۳۴۱

(۳۰) فهرست نسخه های خطی فارسی، جلد: ۲، ص ۳۱۲۴

(۳۱) منظومه های فارسی، ص ۳۱۲

(۳۲) ایضاً، ص ۳۱۲

